

## ماهیان سرخ خیال کامل

کیست؟  
سنگ می زند به شیشه خیال من  
چیست راز این خیال کال؟  
پس چرا  
نیست بر درخت آرزوی من  
سیب سرخ یک خیال؟!

اکرم کشایی

گر به  
پنجه ای کشید  
ماه حوض  
تکه تکه شد  
ماهیان سُرخ  
نقره ای شدند

کمال شفیعی



### شاعران جهان

ژاک شارپانترو، شاعر و نویسنده معاصر فرانسه، سال ۱۹۲۸ در سابل دِلِن فرانسه به دنیا آمد. او ابتدا به معلمی و سپس به استادی زبان فرانسه مشغول شد. حدود سی مجموعه شعر، داستان، داستان کوتاه و تجربه هایی در زمینه فرهنگ نامه دارد. ژاک شارپانترو در ارتباط با ادبیات کودک و نوجوان نیز مقاله هایی را ارائه داده است. از آثار او می توان به «گردهمایی خانواده»، «رز افسانه ها»، «شعر گریزان» و «فردا، شعر» اشاره کرد.

### شب، روز

خواب می دیدم  
پرنده ای هستم که پرواز می کند  
اسبی که یورتمه می رود  
گر به ای که خر می کند  
حس خوبی داشتم. خواب می دیدم  
خواب می دیدم  
نهری هستم جاری  
اقیانوسی غران  
درختی که شکوفه می دهد  
بادی که می گریزد  
حس خوبی داشتم. خواب می دیدم  
بیدار می شوم  
شب به پایان می رسد  
خورشید نمایان می گردد  
دنیا از نو متولد می شود  
من زندگی می کنم. می آیم، می روم.

ترجمه: سادی بزرشک نیا

### ژاک شارپانترو

# اردیبهشت مهربان

من می‌توانم سبز باشم  
پژمردگی حق دلم نیست  
دیگر خداحافظ زمستان  
این روزهای سرد کافی‌ست

اردیبهشت مهربانم  
یادم بده از نو برویم  
مثل خودت سرسبز باشم  
گل باشم و از گل بگویم

من دوست دارم رازهایی  
درباره دنیا بدانم  
یادم بده خورشید باشم  
یادم بده باران بمانم

منیره هاشمی

## شاعران ایران



محمدعلی بهمنی

محمدعلی بهمنی، شاعر و غزل‌سرای معاصر متولد ۲۷ فروردین ۱۳۲۱ است. غزل‌های او دارای مضامین عاشقانه، اجتماعی و زبانی روان و صمیمی است. او جز غزل، در قالب ترانه و نیمایی نیز سروده‌های زیبایی به یادگار گذاشته است. بسیاری از ترانه‌های بهمنی را خوانندگان بنام کشورمان اجرا کرده‌اند. از جمله کتاب‌های بهمنی می‌توان به این موارد اشاره کرد: «گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود»، «شاعر، شنیدنی‌ست»، «من زنده‌ام هنوز و غزل فکر می‌کنم»

یکی از غزل‌های به یادمانی بهمنی، غزلی در سوگ حضرت امام خمینی (ره) است که با این ابیات آغاز می‌شود:

زنده‌تر از تو کسی نیست، چرا گریه کنیم؟  
مرگ‌مان باد و میاد آنکه تو را گریه کنیم  
هفت پشت عرش از نام زلالت لرزید  
ما که باشنیم که در سوگ شما گریه کنیم؟  
ما به جسم شهدا گریه نکردیم، مگر  
می‌توانیم به جان شهدا گریه کنیم؟...

یکی دیگر از غزل‌های بهمنی:

«کیمیا»

اینجا برای از تو نوشتن هوا کم است  
دنیا برای از تو نوشتن، مرا کم است  
اکسیر من! نه اینکه مرا شعر تازه نیست  
من از تو می‌نویسم و این کیمیا کم است  
سرشارم از خیال، ولی این کفاف نیست  
در شعر من حقیقت یک ماجرا کم است  
تا این غزل شبیه غزل‌های من شود  
چیزی شبیه عطر حضور شما کم است  
گاهی تو را کنار خود احساس می‌کنم  
اما چقدر دل‌خوشی خواب‌ها کم است  
خون هر آن غزل، که نگفتم به پای توست  
آیا هنوز آمدنت را بها کم است؟

## عروس کوچه ما

عروس کوچه ما  
عجب عروس قشنگی  
شبه ماه شدی با  
لباس روشن رنگی

چه بوی تازه و خوبی  
چه خنده‌های درخشان  
نام کوچه پر است از  
صدای جر جر باران

همیشه غرق تماشا  
همیشه غرق سکوتی  
صبور و سبز و مقاوم  
پر از شکوفه توتی

طیبه رضوانی